

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت

در باره

شکست توطئه رژیم آخوندی

وموقعیت پیروزمند مقاومت ایران درکارزارگسترده بین المللی

هموطنان عزیز،

حامیان و پشتیبانان مقاومت،

رزمندگان راه آزادی ایران،

بیانیه های صادرشده از جانب ۲۰۰ نماینده از ۱۸ پارلمان در ۵ قاره جهان مبنی بر محکومیت نقض حقوق بشر توسط رژیم آخوندی و حمایت از مقاومت ایران و رئیس جمهور برگزیده اش، که چهارشنبه ۷ آبان در « سمینار بین المللی در باره سیاست در مورد ایران » در لندن اعلام شد، يك بار دیگر صدای حقانیت و مشروعیت و اعتبار بین المللی یگانه جایگزین مردم سالار و دموکراتیک- شورای ملی مقاومت ایران- را در جهان طنین افکن ساخت و بازتابهای گسترده آن در رسانه های مختلف، به سراسر ایران در زنجیر هم رسید. آنقدر که مقامات و رسانه های رژیم، پارلمانهای کشورهای مختلف را یکی پس از دیگری به باد یاوه و ناسزا گرفتند و نمایندگان صدها میلیون تن از مردم پنج قاره جهان را "حامی واقعی تروریسم" خواندند (خبرگزاری رژیم ۷/۸/۷۶). وزیر خارجه سبک مغز حکومت آخوندی، که مدتها مسئول تبلیغات جنگ خانمانسوز (و در حقیقت جارچی تنور جنگ خمینی) بود، هنوز از گرد راه نرسیده، مرتکب خالی بندی فضاحت باری شد و اعلام کرد که این ۲۰۰ نماینده پارلمان "نیاز به به آموزش بیشتری دارند، تا در صحنه روابط بین الملل (از مجاهدین) فریب نخورند!" سپس نوبت به رفسنجانی رسید تا در جمعه بازار تهران در منتهای دریدگی و وقاحت از اینکه رژیم خمینی، ۳۶۰۰۰ کودک دانش آموز را در مسلخ جنگ ۸ ساله "به قربانگاه میدانهای نبرد" فرستاده است، به خود ببالد و آنگاه از ظلم و جور "بیش از ۲۰۰ نماینده بی انصاف آمریکا" و "نمایندگان بسیاری از این پارلمانهای اروپایی (که) باز همین حرکت را دارند میکنند" بسیار بنالد و فغان و فریاد بردارد که "می بینید آمریکائوها چطور دارند جنود ابلیس را بسیج میکنند علیه نظام مقدس اسلامی"؟

اما در سمینار بین المللی لندن، که رژیم تا این حد از آن گزیده شده است، توطئه رژیم آخوندی برای تروریست خواندن مجاهدین و مقاومت ایران، قاطعانه شکست خورد و موقعیت پیروزمند مقاومت ایران در يك کارزار گسترده بین المللی، دیگر بار به ثبوت رسید. و این، يك رویارویی و نبرد سیاسی-دیپلماتیک جهانی بین ما و ۲۰۰ نماینده از ۱۸ پارلمان از يك طرف، با رژیم و حامیان بین المللی خط استحاله و بقایای ایران گیت و کودتای ۲۸ مرداد از طرف دیگر بود.

در سمینار بین المللی لندن، از جمله، اعلام شد که برای اولین بار اکثریت مجلس عوام انگلستان (۳۳۲ نماینده) و ۱۱۹ تن از اعضای مجلس اعیان انگلستان، در يك اقدام فراحزبی، طی بیانیه یی خواستار تحریم تجاری-تسلیماتی رژیم آخوندی شده و از دولت انگلستان خواستند که «تمامی اقدامات ممکن را برای حمایت از برقراری يك دمکراسی غیر مذهبی و کثرت گرا در ایران، مبتنی بر آزادی بیان و مذهب و برابری جنسی، آن طور که شورای ملی مقاومت و رئیس جمهور برگزیده آن، خانم رجوی، خواهان آنند، به اجرا در آید». علاوه بر این آنها از شورای

امنیت ملل متحد خواهان اتخاذ موضع قاطع در برابر تروریسم دولتی رژیم حاکم بر ایران - به مثابه تهدیدی علیه صلح جهانی - شدند.

از این پیشتر، اکثریت اعضای کنگره آمریکا (۲۲۴ تن)، اکثریت پارلمان ایتالیا (۲۲۶ تن)، اکثریت پارلمان سوئیس (۱۱۶ تن)، اکثریت پارلمان نروژ (۸۴ تن)، اکثریت پارلمان لوکزامبورگ (۴۳ تن) و اکثریت پارلمان سن مارینو (۳۲ تن)، ۲۵۰ تن از اعضای پارلمان اروپا، ۱۲۰ نماینده پارلمان سوئد، ۱۱۵ سناتور ایتالیایی و شماری از نمایندگان پارلمان های دانمارک، هلند، استرالیا، آلمان، فرانسه، بلژیک، اردن، مصر و فلسطین، در این ابتکار هماهنگ بین المللی، خواستار طرد رژیم ملایان و حمایت از مقاومت ایران شدند.

نمایندگان منتخب ملتهای مختلف در بیانیه های خود تأکید کرده اند که «علیرغم سرکوب بی سابقه و صدها مانور نظامی سرکوبگرانه در ماههای گذشته، مخالفت عمومی علیه رژیم گسترش یافته»، «مطبوعات معتبر بین المللی از پیوستن گسترده جوانان به ارتش آزادیبخش ملی اپوزیسیون دمکراتیک رژیم خبر می دهند» و «رو آوردن نسل جدید به مقاومت، زنگ های خطر را برای رژیم بصدا در آورده است». آنان سرکوب و تروریسم حکومت آخوندی را محکوم و خاطرنشان کرده اند که «رژیم ایران فعالترین شبکه تروریستی در جهان را هدایت میکند و به فشارهای بین المللی، ارتکاب به جنایات وحشیانه علیه بشریت را ادامه میدهد» و از جمله «موشکهای دور برد و «سوپر» خمپاره علیه ارتش آزادیبخش ملی (اپوزیسیون) بکار گرفته است» بیانیه اکثریت کنگره آمریکا).

در این بیانیه ها با یاد آوری این «حقیقت انکار ناپذیر» که «سیاست مماشات در قبال رژیم ایران، تاثیر معکوس داشته»، تصریح شده است که «مامعتقدیم اتخاذ یک سیاست قاطع ضروری است و درک می کنیم که مواضع تجاری و اقتصادی غرب به طور مؤثری به این رژیم تروریست کمک رسانده اند. علاوه بر این، ما معتقدیم حمایت از مریم رجوی رئیس جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت، که بعنوان سمبل وحدت، مورد حمایت اکثریت مردم ایران است، به برقراری دمکراسی در ایران و صلح و ثبات در منطقه کمک می کند. این مقاومت و پارلمان ۵۷۰ نفره اش که برگزاری انتخابات آزاد و ایجاد یک حکومت کثرت گرا را در برنامه خود قرار داده است، بهترین پاسخ به پدیده شوم بنیادگرایی به مثابه تهدید جدید جهانی است» (از بیانیه ۲۵۰ نماینده پارلمان اروپا).

این پیام همبستگی بین المللی با مردم و مقاومت ایران، آنها در شرایطی که از یک سو رژیم در هم شکسته و متشتت آخوندی در برابر مقاومت ایران در مانده و مستأصل شده و به ذلیلانه ترین وجهی برای محدود کردن مقاومت ایران به دامن این و آن دولت خارجی می آویزد و از سوی دیگر دلالتان بین المللی استحاله برای چپاول ثروتهای مردم ایران و پاسداران سیاسی رژیم برای خزیدن به زیر قبای آخوندها به تطهیر چهره رژیم و شستن دستهای خون آلود آخوندهای جنایتکار مشغولند، از جهات مختلف حائز اهمیت است :

۱- سرفرازی و اعتبار جهانی مقاومت ایران قبل از هرچیز ناشی از اصالت و پایگاه گسترده این مقاومت در جامعه ایران و حاصل رزم و رنج رشیدترین فرزندان ایران زمین و جوشش خون یکصد هزار شهید راه آزادی است. موقعیتی کم نظیر که در پرتو کار توضیحی و تلاشهای ۱۷ ساله قاصدان مقاومت ایران برای افشای جنایت رژیم خمینی در کشورهای مختلف جهان و جلب حمایت افکار عمومی و توده های مردم و نمایندگان آنها به بار نشست و به درخشان ترین صورت ماهیت مردم سالار و مستقل مقاومت ایران را به اثبات می رساند. دست و پا زدن و توسل مستمر رژیم آخوندی به دولتهای خارجی برای محکوم و محدود کردن مقاومت ایران و موازنه خفت باری که سالهاست سردمداران رژیم در این رابطه برقرار می کنند و به نوشته روزنامه فرانسوی فیگارو

« برای رژیم تهران سالهای سال پیش شرط هرگونه بهبود روابط بوده است » ، به زبان معکوس ولی کاملاً روشن، همین واقعیت را بازگویی کند.

۲- آنچنانکه در پیام رئیس جمهور مقاومت به این سمینار آمده است، «تاکیدات ۲۰۰۰ تن از نمایندگان منتخب صدها میلیون نفر از مردم اروپا و آمریکا مبنی بر ضرورت طرد سیاستهای مماشات گرایانه، اتخاذ یک سیاست قاطع علیه رژیم آخوندی و حمایت از مقاومت ایران، مبین وجدان آگاه و بیدار مردم جهان و عزم جزم نمایندگان منتخب آنها در دفاع از حقوق بشر و دمکراسی است». در این پیام، که در آغاز سمینار توسط رییس سمینار آقای رابین کوربت نماینده عالیرتبه پارلمان انگلستان از حزب کارگر قرائت شد، ضمن تقدیر از حمایت ۲۰۰۰ پارلمانتر از مقاومت ایران، اقدام آنها، «دفاع از ارزشهای والای انسانی که بشریت قرنهای هزاره ها برای آن جنگیده است» توصیف شده و تأکید شده است که «مماشات و باج دادن به ملایان قرون وسطایی، نه فقط مشوق سرکوب و صدور تروریسم بلکه توهین به همه دستاوردهای بشری محسوب می شود».

به این ترتیب علیرغم همه تلاشهایی که از سوی برخی محافل سیاسی و اقتصادی و دولتی برای مشروع جلوه دادن رابطه با یک استبداد خون آشام مذهبی به عمل می آید و علیرغم تلاشهای گسترده عوامل این رژیم در اطراف و اکناف جهان، افکار عمومی بین المللی و اکثر محافل سیاسی و نمایندگان مردم کشورهای مختلف جهان، از رابطه و معامله با این دیکتاتوری تروریستی و مذهبی عمیقاً منزجرند و از مقاومت ایران حمایت میکنند.

در همین راستا، آقای لنارد فریدن نماینده مجلس سوئد در سخنان خود در سمینار لندن گفت: «بگذارید از همه دولتهای دمکراتیک بخواهیم که حول یک برنامه عملی علیه رژیم ایران جمع شوند و به آن پای بند باشند و ابزارهایی مانند تحریم، دیپلماسی، سازمانهای بین المللی و سازمانهای اسلامی را در این راستا به کار بگیرند. همکاری با ایرانیان در داخل و خارج ایران بویژه همکاری با رئیس جمهور منتخب آنها، خانم مریم رجوی، و شورای ملی مقاومت باید در دستور قرار گیرد». وی سخنان خود را با این جمله به پایان برد که «ما یک سیاست جدید راجع به ایران نیاز داریم. در همان روز رویتر به نقل از این نماینده مردم سوئد نوشت: «ما باید از مردم حمایت کنیم و به حاکمان ضربه بزنیم. نمی توان ملاحا را با در آغوش گرفتنهای دوستانه تغییر داد».

و آقای ویلی بورگ نماینده پارلمان لوکزامبورگ از جانب نمایندگان پارلمان این کشور در سمینار لندن گفت: «بنظر من فقط یک تغییر ریشه ای میتواند دمکراسی را در ایران برقرار کند. لذا ما باید از جنبش مقاومت و پارلمان در تبعید آن حمایت کنیم. من فکر میکنم که اروپا باید یک ابتکار شجاعانه و ضروری علیه نقض حقوق بشر و صدور تروریسم توسط رژیم ایران اتخاذ کند. این، صرفاً یک امر اخلاقی و سیاسی نیست بلکه لازمه اعتبار اتحادیه اروپا در سیاست بین المللی است».

۳- همبستگی بین المللی ۲۰۰۰ نماینده با مقاومت ایران و اظهارات نمایندگانشان در سمینار لندن مخالفت قاطع آنان را با اقدام سخیف وزارتخارجه آمریکا مبنی بر گنجاندن نام سازمان مجاهدین در لیست سازمانهای تروریستی نشان داد. به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس در روز ۷ آبان، «۲۰۰۰ نماینده مجلس از پانزده کشور از جمله ۲۲۴ نماینده گنجره آمریکا بیانیه یی را در حمایت از اپوزیسیون ایران که بزرگترین بخش آن توسط دولت آمریکا به عنوان یک گروه تروریستی اعلام شده است، حمایت کردند. بسیاری از نمایندگان پارلمانها در روز چهارشنبه از اقدام واشینگتن علیه این گروه اظهار تعجب کردند و گفتند این گروه برای پایان دادن به سرکوب داخلی و صدور تروریسم به خارج و استقرار یک دولت دموکراتیک و حقوق بشر مبارزه می کند».

آسوشیتد پرس در همین روز پیام آقای جیمز ترافیکننت، نماینده دموکرات از ایالت اوهایوی آمریکا، به سمینار بین المللی لندن را هم مخابره کرد و نوشت: «۲۲۴ عضو کنگره آمریکا بیانیه‌ی را امضا کرده و از کلینتون خواستند هر گونه نزدیک شدن به رژیم فعلی را رد کند. در این بیانیه گفته شد که "حمایت از مریم رجوی، رئیس جمهور دوران انتقال شورای ملی مقاومت، در صورت پیروزی اپوزیسیون علیه رژیم ایران، به صلح و ثبات در منطقه کمک خواهد کرد. ترافیکننت گفت او و "تعداد قابل توجهی" از نمایندگان مجلس و سنای آمریکا معتقدند که البرایت با قراردادن مجاهدین خلق ایران در لیست گروه‌های تروریست مرتکب "یک اشتباه فاحش و جدی" شده است. او گفت "این اقدام دولت کلینتون چیزی نیست، جز دلجویی از رژیم ایران". او افزود بررسی اقدام‌های تروریستی اخیر نشان می‌دهد که این گروه "به جای این که عامل تروریسم باشد، خود قربانی تروریسم رژیم ایران بوده است".»

در سمینار بین المللی لندن هم چنین آقای محمد داوودیه، نماینده مجلس اردن (وزیر سابق در دولت این کشور)، گفت: «این جنبش میبایست با تمام امکانات مادی، معنوی، مطبوعاتی و سیاسی مورد کمک قرار گیرد... دولتهایی که در زمینه نظامی و تسلیحاتی با آخوندها معامله میکنند، در واقع با این رژیم علیه کشورهای خاورمیانه، بطور خاص، و مردم همه کشورهای، بطور عام، همکاری میکنند». او تأکید کرد: «ما متعجب هستیم از اینکه دولت آمریکا مقاومت ایران و مجاهدین را در لیست گروه‌های تروریستی گنجانده است. ما اعراب و مسلمانان خاورمیانه، مدتهای مدیدی است که جنبش مجاهدین خلق را میشناسیم. ما میدانیم که آنچه آنها میکنند بسیج مردم ایران علیه رژیم است... ما از همه نیروهای دمکرات و همه سازمانهای حقوق بشری دعوت میکنیم تا با همه وسایل و امکانات از آمریکا بخواهند این تصمیم غیرعادلانه را تغییر دهد.»

اقدام وزارت خارجه آمریکا در خود آمریکا نیز عکس العمل بسیار اعتراض آمیزی را برانگیخت. صدای آمریکا در روز ۷ آبان یعنی کمتر از ۲۰ روز پس از گنجاندن نام مجاهدین در لیست یاد شده، تصریح کرد: «اکثریت اعضای مجلس نمایندگان آمریکا بیانیه‌ی را که دیروز از سوی گری اکرم، نماینده دمکرات نیویورک، و خانم الینا روز لهتینن، نماینده جمهوریخواه فلوریدا، در باب تغییر طبقه بندی سازمان مجاهدین خلق ایران صادر شد مورد تأیید قرار دادند. این بیانیه از سازمان مجاهدین خلق ایران به عنوان یک گروه مشروع مقاومت که برضد یکی از ستمگرترین رژیمهای تاریخ معاصر به پا خاسته است نام می‌برد.»

خبرگزاری آلمان در همین روز نوشت: «اکثریت اعضای مجلس نمایندگان بیانیه‌ی را خطاب به رئیس جمهور فرستادند که طی آن گنجاندن نام مجاهدین خلق توسط وزارت در لیست سازمانهای تروریستی، مورد اعتراض قرار گرفته است... انتخاب یک فرد ظاهراً مدره به ریاست جمهوری در ایران و موقعیتهای متعدد تجاری در این کشور، وزارت خارجه آمریکا را بر آن داشته که حرکاتی در راستای گشایش گفتگو با تهران انجام دهد؛ به رغم این که دولت ایران از تروریسم بین المللی حمایت میکند و سعی به توقف پروسه صلح خاورمیانه دارد». در همین روز صدای آلمان گفت: «۲۰۰ تن از نمایندگان پارلمان اروپا این سازمان را در قطعنامه‌ی بعنوان سازمانی که واقعاً در برابر دیکتاتوری در ایران مقاومت می‌کند، شناختند و مورد تمجید قرار دادند. اعضای مجلس نمایندگان آمریکا حال طی نامه‌ی بی‌به‌پرزیدنت کلینتون از وی خواسته اند که محکومیت مجاهدین را ملغی سازد. به نظر آنها رأی وزارت خارجه آمریکا در مورد مجاهدین بر اساس و پایه‌های مستدلی استوار نیست...»

پیش از آن هم سناتور رابرت توریسلی، از رهبران حزب دموکرات (حزب حاکم آمریکا)، در نامه‌ی بی‌به تاریخ ۳۰ مهر (۲۲ اکتبر) خطاب به کلینتون نوشته بود: «من این نامه را برای این می‌نویسم که توجه شما را به یک اشتباه جدی سیاست خارجی، که در حال تکوین است جلب کنم. در

۸ اکتبر، وزیر خارجه، البرایت، لیست ۳۰ گروه را که به عنوان گروه‌های تروریستی خارجه نام گذاری شده بودند، منتشر نمود. من شخصاً گزارش اطلاعاتی را که نامگذاری مجاهدین را به عنوان يك سازمان تروریستی توضیح می دهد، مطالعه کرده و آنرا متقاعد کننده نیافتم. این مدرک يك نمونه حمله به غیرنظامیان ویا اقداماتی را طی دهه گذشته که شایان اطلاق نام تروریسم باشد، ارائه نمیکند. گزارش سالانه وزارت خارجه درباره تروریسم اشاراتی به اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران دارد ولی از آنها به عنوان قربانیان تروریسم نام برده شده است، نه مرتکبین چنین خشونت‌ها. مجاهدین توانمندی خود را برای جلب حمایت در ایران بویژه در میان زنان و جوانان نشان داده اند. مجاهدین تنها سازمان مهم مسلمان در منطقه است که از پروسه صلح خاورمیانه حمایت می کند. تروریست خواندن آنها به تهران می گوید که دستش برای هر کاری علیه آنها باز است. رژیم ایران از تروریست خوانده شدن اپوزیسیون اصلی اش توسط ایالات متحده استقبال کرده است. ولی رفتار خود را در پاسخ به "پیام حسن نیت" ما عوض نخواهد کرد. منطقه خطرناک تر از آن است که به ما اجازه دهد قدم های اشتباه متعددی برداریم زیرا در آن صورت خیلی چیزها را از دست خواهیم داد».

۴- در انگلستان نمایندگان مردم این کشور از هر دو حزب اصلی کارگرو محافظه کار، دولت را به خاطر پیرویش از وزارت خارجه آمریکا شدیداً افشا و محکوم کردند. در این زمینه رویترا در روز ۷ آبان طی گزارش خود از سمینار لندن نوشت: «آقای کوربت، نماینده مجلس انگلستان از حزب کارگر، و سر پیتروید، عضو محافظه کار مجلس، گفتند از دولت انگلستان درباره دلیل تصمیم منع ورود در مورد رئیس جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت، توضیح خواهند خواست».

آقای کوربت در سخنانش در این رابطه گفت «من نمی فهمم که چه اتفاقی دارد میافتد. کمتر از يك ماه قبل در کنفرانس حزب کارگر يك قطعنامه در حمایت از شورای ملی مقاومت با اکثریت مطلق به تصویب رساند. نمایندگان شورا به عنوان مهمان به کنفرانس دعوت شده بودند. من در میان همکارانم در حزب حاکم تنها کسی نیستم که از این تصمیم علیه خانم رجوی متعجب شده است. من به وزیر خارجه نامه نوشته ام و از او خواسته ام که در این مورد توضیح دهد. اگر در میان وزرای حزب من یا کارمندان دولت این احساس وجود دارد که میشود ملایان تهران را در آغوش کشید تا آدمهای بهتری بشوند، آنها خیلی زود درک خواهند کرد که این امر امکان پذیر نیست».

روز بعد، بخش عربی بی.بی.سی در گزارشی از این سمینار گفت: «تعدادی از اعضای پارلمان اروپا در این گردهم آیی شرکت کردند و خواهان موضع بین المللی شدیدتری علیه دولت تهران شدند. يك نماینده مجلس انگلستان به نام رابین کوربت از تصمیم دولت بریتانیا در مخالفت با اعطای روادید به مریم رجوی انتقاد کرد... کوربت گفت دولت انگلستان از آمریکا دنباله روی کرده و در این کار دچار اشتباه شده است».

بگذریم که داستان روادید اساساً موهوم است، زیرا نه برنامه یی برای سفر رئیس جمهور مقاومت به انگلستان در کار بوده و نه تقاضایی برای روادید در میان بوده است. واقعیت چیزی نبود جز يك روغن ریخته که نذر آخوندها شده بود و درست به همین دلیل خبرگزاری رژیم نخستین و تنها خبرگزاری بود که سه شنبه شب، ۲۹ مهر، این موضع گیری دولت انگلستان را منعکس کرد و عجب این که تا ۳۶ ساعت بعد، هیچ منبع و خبرگزاری و روزنامه ای در انگلستان از آن حرفی به میان نیاورد. بعد هم بخش فارسی بی بی سی در روز ۲۰ مهر به صراحت گفت: «سیاست جدید دولت بریتانیا و اقدام آن برای جلوگیری از ورود خانم رجوی به این کشور به دلیل عضویت او در يك گروه تروریستی، همان چیزی است که دولت ایران برای مدتهای طولانی خواستار آن بوده

است. بنابراین مقامات دولت ایران باید از این اقدام دولت بریتانیا شدیداً خوشحال باشند». جالب این که در همان روز (۳۰ مهر) خبرگزاری رژیم اعلام کرد «وزارت خارجه انگلستان در لندن روشن ساخت» که «این تصمیم در ارتباط با هیچ گونه تقاضای ویزا نبوده است، بلکه از مدتی پیش تحت بررسی دولت انگلستان قرار داشته است».

به این ترتیب کمترین ابهامی درباره علت و مضمون سیاسی این موضع گیریها - که چیزی جز التماس و درخواستهای رژیم و دلجویی فرصت طلبانه از آخوندها نیست - باقی نمی ماند. به قرار اطلاع درخواستها و تشبثات رژیم از نیمه شهریور یعنی ۲ هفته بعد از روی کار آمدن کابینه آخوند خاتمی شروع شده بود.

۵- درست در نقطه مقابل تلاشهای رژیم و متحدین داخلی و بین المللی اش که مقاومت ایران را به تروریسم و خشونت متهم میکنند، بیانیه ۲۰۰۰ نماینده و سمینار لندن هر چه بیشتر جنگ آزادیبخش و مبارزه مسلحانه برای سرنگونی دیکتاتوری مذهبی و تروریستی حاکم را بر رسمیت شناخته و مرزهای روشنی بین این مبارزه مشروع و عادلانه با تروریسم ترسیم میکند.

سر پیتر لوید، نماینده مجلس انگلستان از حزب محافظه کار، با تأکید بر معیارهای شناخته شده بین المللی در مورد تروریسم، تکرار این اتهام ناروا علیه رزمندگان آزادی ایران را به تمسخر گرفت و گفت: «قطعا من بین تروریسم و رزمندگان یونیفرم پوش و منضبط بازوی نظامی شورای ملی مقاومت که مطابق قوانین کنوانسیون ژنو رفتار میکنند تمیز میدهم».

آقای تراویکنت، نماینده کنگره آمریکا، در این رابطه خطاب به سمینار لندن نوشت: «ایالات متحده بر مبنای مبارزه مسلحانه علیه حکومت سرکوبگرانه تأسیس شد. مقاومت مسلحانه علیه ظلم، جوهری ترین بخش ارزش های (مورد احترام مردم) آمریکا می باشد. به همین دلیل بود که ایالات متحده در جنگ دوم جهانی علیه فاشیسم در اروپا و آسیا جنگید... من می خواهم از یکی از بزرگترین روسای جمهورمان نقل قول بیاورم. آبراهام لینکلن گفت: این کشور با همه نهاد هایش متعلق به مردمی است که در آن زندگی می کنند. هرگاه که مردم نسبت به دولت حاکم ناراضی بشوند، می توانند از این حق خود که در قانون اساسی تصریح شده است، استفاده کرده و آنرا تغییر دهند. آنها همچنین می توانند از حق انقلابی خود برای تکه تکه کردن یا سرنگون کردن آن استفاده کنند».

این نماینده مردم آمریکا افزود: «مجاهدین خلق ایران در حقیقت میهن پرستانی هستند که برای آزادی مردم ایران از چنگال يك رژیم سرکوبگر و ظالم مبارزه می کنند... ارتش مقاومت ایران با حضور نیروهایش در نزدیکی مرز ایران و عراق، می تواند مستقیماً از حضور جوانان ایرانی که نسبت به رژیم سرخورده شده اند استفاده کند. در حقیقت، صد ها جوان ایرانی همراه از مرز عبور کرده و به ارتش مقاومت می پیوندند. اگر ارتش مقاومت در هر کشور دیگری می بود نمی توانست از نیروی انسانی که توسط میلیونها ایرانی که در آرزوی دموکراسی و آزادی مذهبی هستند استفاده کند».

دو نماینده دیگر کنگره آمریکا آقای اکرمین از حزب دمکرات و خانم رزالتینن از حزب جمهوریخواه در نامه ای به رئیس جمهور این کشور، مجاهدین را "به عنوان يك مقاومت مشروع علیه یکی از خشن ترین دیکتاتوری های تاریخ معاصر" معرفی کردند و تأکید کردند که آنها "فقط اهداف نظامی و دولتی، و نه اهداف غیرنظامی، را هدف قرار میدهند" (آسوشیتدپرس ۶ آبان).

۶- سمینار بین المللی لندن و قطعنامه آن و همچنین نامه ای که روز قبل از آن از سوی نمایندگان کنگره آمریکا برای رئیس جمهور این کشور فرستاده شد، نشان میدهد که برغم دجالگریهای تبلیغاتی آخوندهای جنایتکار و بلندگوهای خارجی آنها، در مورد امکان استحاله و میانه روی این رژیم بعد از روی کار آمدن خاتمی، افکار عمومی بین المللی و نمایندگان

صدها میلیون تن از مردم جهان در اروپا و آمریکا و خاورمیانه، هیچ تردیدی در ماهیت سرکوبگرانه و تروریستی این رژیم و عدم امکان استحاله یک فاشیسم مذهبی ندارند. چیزی که قطعنامه نهایی سمینار نیز بر آن تاکید میکند.

در همین رابطه آقای فریدن، نماینده مجلس سوئد از حزب لیبرال این کشور، طی یک گفتگو تاکید کرد که «خاتمی به هیچوجه یک لیبرال یا میانه رو نیست. او برای دهسال وزیر ارشاد بوده یعنی او تمام مطبوعات و اطلاعات رسانی را کنترل میکرده است. در یک کلام او گوبلز خمینی است. او کسی است که میگوید راه حل سلمان رشدی کشتن اوست».

آقای ویلی بورگ، نماینده مجلس لوگزامبورگ، نیز درحالی که استبداد خون آشام آخوندها را به محاکمه میکشید، پرسید: «یک رژیم سیاسی که مردم خود را ترور میکند، فرزندان خود را میکشد، مخالفان را به قتل میرساند، بطور گسترده حقوق بشر را نقض میکند، شخصیت انسانها، به خصوص زنان را تحقیر میکند؛ یک رژیم سیاسی که تمامی جنایات خود را دغلاکارانه به نام خدا، خدای اسلام - مذهبی که در تمام طول تاریخ بیشترین بردباری را برای پیروان خودش و پیروان سایر مذاهب داشته است- انجام میدهد، چنین رژیمی خود را محکوم میکند. چنین رژیمی محکوم به انزوا در کشور خود و در میان جامعه بین المللی است». او سپس درباره نمایش انتخابات آخوندی و ادعای میانه روشن شدن رژیم قرون وسطایی گفت: «رئیس جمهور جدید رژیم ایران یک عضو دو آتشه و یک همکار رژیم سرکوبگر حاکم بوده است. چگونه ممکن است مردم به سرکوبگر خود رای بدهند؟ چگونه ما میتوانیم تصور بکنیم که این انتخابات، آزاد بودند، آن هم در شرایطی که تنها کاندیداهایی که مطلقاً به رژیم وفادار بودند در لیست کاندیدها پذیرفته شده بودند. چگونه ما میتوانیم بپذیریم که یک انتخابات آزاد وجود داشته است، در حالیکه هیچ ناظر بین المللی پذیرفته نشد؟!»

آقای داودیه، نماینده مجلس اردن، نیز در سمینار تاکید کرد که «طی چندماه گذشته بعد از انتخاب خاتمی ما در پی مشاهده علائمی از تغییر در سیاست داخلی یا خارجی رژیم بودیم. ما هیچ چیزی پیدا نکردیم جز اعمال و اقدامات بیشتر، که نشان میدهد خاتمی یک بخش جدایی ناپذیر از رژیم ملایان است».

۷- فراخوان ۱۶ساله مقاومت ایران مبنی بر تحریم رژیم خمینی در سطح بین المللی، با حمایتهای روز افزونی از جانب نمایندگان پارلمانهای مختلف رو به رو می شود. بیانیه های نمایندگان پارلمانها عموماً خواستار تجدید نظر در روابط اقتصادی با این رژیم شده اند و قطعنامه پایانی سمینار لندن نیز تصریح میکند که «استمرار روابط تجاری و دیپلماتیک به ملایان امکان می دهند تا دلارهای نفتی را در جهت سرکوب مردم ایران، تولید و انباشت تسلیحات کشتار جمعی، تلاش برای دستیابی به بمب هسته ای و حمایت از گروههای مخالف صلح در خاورمیانه، به کار گیرند. ما خواهان لغو چنین قرارداد هایی هستیم»

خانم ناردینی، نماینده پارلمان ایتالیا، که بنماینده گی از ۲۵تن از همکارانش در پارلمان ایتالیا و ۱۱۵تن از سناتورهای این کشور در سمینار لندن سخن میگفت، با اشاره به ۲۹میلیارد دلار تجارت سالانه بین رژیم ایران و کشورهای اروپایی نتیجه گیری کرد که بعد از این حمایت گسترده از مقاومت ایران، زمان «تجدید نظر» در روابط دولتهای اروپایی با دیکتاتوری مذهبی و تروریستی حاکم بر ایران فرارسید است. وی افزود: «تاریخ به ما یاد داده است که امتیاز دادن به تروریستها آنها را در جنایاتشان جری تر میکند. بگذارید امیدوار باشیم، این بار اصول بر منافع تقدم داشته باشد».

خانم هولتس هوتر، نماینده پارلمان فدرال آلمان، در سخنرانی خود سیاست دولتهای اروپایی

منجمله آلمان و فرانسه را به خاطر روابطشان با رژیم ایران مورد انتقاد قرار داد و گفت برخی معاملات بزرگ مانند قرار داد کمپانی فرانسوی توتال با رژیم ایران در حالی صورت میگیرد که ۶ ماه پیش يك دادگاه آلمان رهبران این رژیم را به عنوان مسئولان و آمران ترور مخالفان در خارج کشور معرفی کرده است. وی با اشاره به وضعیت اسفناک زنان تحت حاکمیت آخوندهای زن ستیز بر ضرورت يك اقدام متحد اروپایی علیه رژیم خمینی و حمایت از کسانی که با این رژیم مبارزه میکنند تاکید کرد.

۸- عکس العمل های زبوانه رفسنجانی در نمایش جمعه ۹ آبان و شکوه های بلاهت بار وزیر خارجه رژیم آخوندی و سیل موضع گیریهای رادیو و تلویزیون و خبرگزاری و مطبوعات و امام جمعه های رژیم در برابر تعرض سیاسی مجاهدین و مقاومت ایران در سطح بین المللی، و بازتاب گسترده آن، بیانگر خشم لجام گسیخته و سوزش شدید سردمداران رژیم به خاطر خنثی شدن توطئه هایشان علیه مقاومت ایران است. این سوز و گدازها از نظر سیاسی هیچ معنایی جز اذعان به یاس و شکست ندارد. واکنشهای رسانه ها و به ویژه خبرگزاری رژیم آخوندی، که در این ایام به لیسیدن انواع روغنهای ریخته و حلوا حلوا کردن اشارات بی مایه ایران گیتی مشغولند و می کوشند با سیلی صورت این رژیم محتضر راسخ نگهدارند، برآستی تماشایی است. آخرین نمونه اش، دروغپردازیهای مضحک خبرگزاری رژیم پس از سمینار لندن در مورد لرد ایوبری، نایب رییس گروه حقوق بشر پارلمان انگلستان، است که به دلیل بیماری و بستری بودن نتوانسته بود در سمینار لندن شرکت کند، اما پیامش توسط رابین کوربت رییس سمینار خوانده شد. اما سردمداران رژیم آخوندی از فرط افلاس و فلاکت این موضوع را دستاویز یاوه گویی قرار دادند و به واضح ترین وجهی وضعیت يك رژیم غرقه در بحران را که در مرحله پایانی عمرش به هر خس و خاشاکی چنگ می زند، به نمایش گذاشتند. البته پاسخ قاطع لرد ایوبری به خبرگزاری رژیم - که مدعی شده بود وی سمینار را بایکوت کرده است - يك آبروریزی مضاعف برای رژیم به بار آورد. لرد ایوبری در اطلاعیه مطبوعاتی خود دروغپردازی رژیم را افشا نموده و میگوید "انتشار عمدی گزارشهای غلط توسط "ایرنا" نشان میدهد که رژیم از قاطعیت نمایندگان در مورد ضرورت اقدام علیه ادامه نقض حقوق بشر در ایران و محروم کردن مردم ایران از دمکراسی واقعی، نگران است." خبرگزاری فرانسه نیز گزارش داد که لرد ایوبری خبر مجعول منتشر شده توسط خبرگزاری رژیم را «مبنی بر اینکه او سمینار را تحریم کرده است، محکوم کرد و گفت که آنها آگاهانه يك داستان دروغین پخش کرده اند».

راستی يك رژیم حاکم که مدعی است ۳۰ میلیون نفر در نمایش انتخاباتش شرکت کرده اند و از مقاومت ایران نیز پیوسته به عنوان «گروهک» یاد می کند، تا کجا باید فلك زده و در برابر مقاومت در مانده شده باشد که بیماری يك نماینده مجلس در انگلستان را بلافاصله در خبرگزاری رسمیش دستاویز دروغپردازی قرار دهد!

اما از آنجا که تاکتیک سرخ کردن صورت با سیلی، همیشه نمیتواند ادامه پیدا کند، سرانجام رادیوی رژیم در گفتار سیاسی دیروز خود حرف نهایی را زد و اعلام کرد «واقعیت این است که برگزاری گردهم آیی لندن با ادعای دولت انگلیس در تناقض است. زیرا این دولت اعلام کرده بود که از فعالیتهای منافقین در این کشور جلوگیری میکند. دولتهای غربی علیرغم شعارهای فریبنده خود تاکنون هیچ توجهی به خواست ملت ایران نکرده اند و یکی از وحشی ترین گروههای تروریست جهان را پناه داده اند. برخورد دوگانه دولتهای غربی در قبال منافقین بیانگر این است که گروه تروریست منافقین ابزاری است در دست این دولتها برای فشار آوردن بر جمهوری اسلامی ایران».

راستی که از این واضح تر نمیشود به شکست اقرار کرد، البته در اوج خشم و کین حیوانی. بگذریم که معلوم میشود دولتهای غربی با "برخورد دوگانه" در ردیف منافقین قرار گرفته اند! به آنها گفتیم که این قدر روغنهای ریخته را نذر ملا نکنند، چونکه آخر و عاقبت ندارد و دست آخر آخوندهای زهر خورده و صاحب مرده پاپیچ خود آنها خواهند شد!

هموطنان عزیز،

بیانیه های نمایندگان پارلمانهای کشورهای مختلف، برگزاری سمینار بین المللی لندن و قطعنامه مصوب آن، به مثابه يك قضاوت انکارناپذیر جهانی، طلسم دجالگری آخوندها و حامیانشان را درهم شکسته و بر موقعیت پیروزمند مقاومت ایران در يك کارزار گسترده بین المللی گواهی می دهد. بدین گونه وجدانهای بیدار انسانی با حمایت از مقاومت عادلانه مردم ایران علیه تجارت پیشگی و قربانی کردن فرشته آزادی و اصول حقوق بشر در زیر پای منفورترین دیکتاتوری معاصر، به پا می خیزند. این تحول و حرکت بسیار نیرومند و بی سابقه ضمناً بیانگر تفاوت اساسی شرایط کنونی با روزگار کودتای ۲۸ مرداد علیه مصدق بزرگ و مبین حقانیت، پایگاه گسترده اجتماعی و اعتبار داخلی و بین المللی مقاومت تاریخی ملت ایران و یگانه جایگزین دموکراتیک در برابر استبداد مذهبی حاکم است.

از این رو برای روشن شدن افکار عمومی داخلی و بین المللی نسبت به حقایق امور، به نام مقاومت عادلانه مردم ایران برای آزادی و صلح و حاکمیت مردم، چند نکته ضروری را خاطرنشان میکنم تا از سوی نمایندگان و فعالان مقاومت و همچنین همه ایرانیان آزاده و شریف در هر کجا که هستند مد نظر قرار بگیرد و به دیگر هموطنانمان و همچنین به علاقمندان مسائل ایران در سراسر جهان رسانیده شود:

اولاً- مطمئن باشید که هر کس، هر ارگان و هر وزارت خارجه ای که در این سو یا آن سوی جهان، به مقاومت عادلانه مردم ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران برچسب تروریسم میزند، دستش بکلی خالی است و هیچ سند و مدرک و دلیل و گواه و گزارش محرمانه و غیرمحرمانه ای که در آن بتوان اتهام تروریسم را ثابت نمود، وجود ندارد. به صراحت میگویم که مخصوصاً در وزارت خارجه آمریکا هیچ دلیل و مدرک جدی در اینباره موجود نیست و اگر هست خواهش مندیم بلادرنگ آنها افشا نموده و به اطلاع افکار عمومی برسانند. بگذریم که مقامات عالی رتبه آمریکایی صراحتاً تأیید کرده اند که این اتهامات و گنجاندن نام مجاهدین در لیست کذایی علت و دلیلی جز "چشمک زدن" به آخوند خاتمی و ارسال پیام "حسن نیت" برای آخوندها ندارد. و این البته از دیرباز نخستین خواسته رژیم آخوندی و "پیش شرط هرگونه بهبود رابطه" با کشورهای مختلف بوده، هست و خواهد بود. این امر که تنها حاکی از ترس و تزلزل آخوندها در برابر مجاهدین و مقاومت ایران و اقرار آنها به جایگزینی شورای ملی مقاومت است.

ثانیاً- ما همچنین میدانیم که علاوه بر اکثریت نمایندگان کنگره، در وزارت خارجه آمریکا نیز بسیاری از مقامات و حتی مسئولان ارشد با چسباندن مارک تروریسم به مجاهدین مخالف بوده و هستند.

براستی هم که عقل سلیم هرگز نمیپذیرد که در آن واحد، هم رژیم حاکم بر ایران "پدرخوانده و سردمدار تروریسم بین المللی" نامیده شود و هم اسم مجاهدین-با یکصد هزار شهید آزادی- وارد لیست تروریستی گردد.

نمیتوان هم جلاد و هم قربانی را به طور متساوی محکوم نمود. چشمک زدن به آخوندهای جلادی که تاکنون ۴۰ بار در قطعنامه های مختلف ملل متحد محکوم شده اند، آنها را جری تر و درنده ترمیکند.

براستی چه کسی در ایران به گفته عفو بین الملل "انسانها را نه، ده ده، بلکه صد صد، اعدام

میکنند؟" (گزارش نیمه نوامبر ۹۴). چه کسی زنان را هزار هزار، به بهانه بدحجابی، دستگیر و شکنجه میکند؟ چه کسی قلم ها را می شکند، نویسندگان و روشنفکران را به بند میکشد و اقلیت های ملی و مذهبی را سرکوب میکند؟

و در مقابل چه کسی پناچار، و آنچنانکه درسند مشهور واتیکان هم آمده است، به عنوان «آخرین وسیله» و «به مثابه آخرین چاره جویی برای پایان دادن به ظلم آشکار و طولانی که بشدت به حقوق اساسی افراد تجاوز کرده و به شکل خطرناکی به منافع عمومی یک کشور زیان رسانیده» به مبارزه مسلحانه روی آورده است؟ (نقل از سند واتیکان با عنوان «آزادی از دید مسیحیت و رهایی» که در سال ۸۶ پس از تأیید پاپ ژان پل دوم منتشر گردید).

ثالثاً- بخصوص که این مقاومت بارها آمادگی خود را برای شرکت در یک انتخابات آزاد ریاست جمهوری یا مؤسسان بر اساس اصل حاکمیت مردم (و نه ولایت فقیه) تحت نظر ملل متحد اعلام کرده است. یعنی که اگر جامعه بین المللی بتواند در این مورد تضمینات کافی بدهد، ما بلادرنگ سلاحهای خود را بر زمین خواهیم گذاشت. حال بگوئید ببینیم آیا شما هم حاضرید متقابلاً تا وقتی که آخوندها اصل حاکمیت مردم و انتخابات آزاد بر این اساس را نپذیرفته اند، با صدای بلند به حقانیت رزمندگان آزادی ملت ایران و ضرورت ارتش آزادیبخش ملی و مقاومت مشروع فرزندان ایران گواهی بدهید؟ آیا اعلامیه جهانی حقوق بشر در نخستین سطور خود "قیام علیه دیکتاتوری و ستم" را "به عنوان یک راه حل نهائی" نمی پذیرد؟ (پاراگراف سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر). بویژه وقتی که رژیم ۴۰ بار در قطعنامه های رسمی ملل متحد بخاطر نقض وحشتناک، مستمر و سیستماتیک حقوق بشر محکوم شده است.

رابعاً- ضمن ۱۷ سال، صدها بار گفته ایم و باز هم تکرار میکنیم که عملیات مجاهدین و ارتش آزادیبخش ملی ایران هرگز و هیچگاه علیه شهروندان و هدفهای غیرنظامی نبوده، و آنچنان که همه ایرانیان گواهند، فقط در داخل ایران و فقط بر روی مسئولان و عوامل سرکوب و اختناق و شکنجه و اعدام متمرکز بوده است. دعاوی و اکاذیب رژیم مبنی بر کشتار یا آزار شهروندان توسط مجاهدین را هیچکس در ایران جدی نمیگیرد.

خامساً- ذیل ماده ۴ کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو، «جنبش های مقاومت سازمان یافته» با مشخصات زیرتعریف شده اند:

- اینکه تحت فرمان فردی باشند که مسئولیت همه جانبه دستوراتی را که میدهد به عهده بگیرد.

- اینکه امضای مشخص و ثابتی را دارا باشد که در یک محدوده به رسمیت شناخته شده باشد.

- اینکه آشکارا سلاح حمل کند.

- و اینکه عملیات خود را بر اساس قوانین و رسوم زمان جنگ تنظیم کند.

- همچنین بر اساس تعریف ماده سوم از فصل اول کنوانسیونهای ژنو، «نزاع مسلحانه با

ماهیت غیربین المللی» چنین تعریف میشود: «طرفی که علیه دولت رسمی دست به شورش برداشته، از یک نیروی نظامی منظم و یک مصدر اختیارات برای پاسخگویی در قبال عملکردهایش برخوردار بوده و در اراضی معینی فعالیت نماید و از امکانات لازم برای محترم شمردن و تضمین اجرای کنوانسیون ژنو برخوردار باشد» (صفحه ۴۴ کتاب تفسیر کنوانسیونهای ژنو - چاپ کمیته بین المللی صلیب سرخ).

جالب توجه اینکه در مباحثات کنفرانس دیپلماتیک ژنو برای تصویب کنوانسیون ۱۹۴۹ در همین رابطه تصریح شده است که «برخی اوقات در یک جنگ داخلی آنها که شورشی تلقی میشوند در واقع امر میهن پرستانی هستند که برای استقلال و شرف کشورشان مبارزه میکنند... امکان پذیر نیست در مورد شورشیانی که اصول انسان دوستانه را مراعات میکنند از "تروریسم"،

"آنارشی" و "اغتشاش" سخن گفت «(همانجا).

آری، مجاهدین نیز در منتهای انسان دوستی، میهن پرستانی هستند که برای آزادی و شرف و استقلال کشورشان مبارزه میکنند. ملاحظه میشود که بر اساس تعاریف فوق برجسب تروریستی علیه سازمان مجاهدین خلق ایران بسیار ناچسب و مغرضانه و سخیف است و هیچ پایه جدی قانونی و حقوقی ندارد.

سادساً- حتی اگر تعریف رسمی وزارت خارجه آمریکا از "تروریسم" را ملاک قرار دهیم، باز هم این برجسب به مجاهدین نمی چسبد. در گزارش سالانه وزارت خارجه امریکا مربوط به سال ۸۹ که در بهار سال ۱۹۹۰ منتشر شده است میخوانیم:

«از نظر ما "تروریسم" خشونت از پیش فکر شده و با محرک سیاسی می باشد که توسط گروههای زیرملیتی و ایادی کشوری زیرزمینی بر علیه اهداف نامبارز انجام میشود تا بر شاهدان آن تأثیر بگذارد. "تروریسم بین المللی" تروریسمی است که اتباع یا اراضی بیش از یک کشور را شامل میشود.»

بنابراین مدعی باید بگوید که مجاهدین علیه کدام هدف "نامبارز" اقدام کرده اند؟ اکنون بر عهده وجدانهای بیدار و منصف است تا در اینباره به قضاوت بنشینند. علاوه بر ملت ایران و پارلمان در تبعید آن، بیش از ۲۰۰۰ نماینده از ۱۸ پارلمان در پنج قاره جهان که آراء صدها میلیون رأی دهنده را با خود دارند، قضاوت قطعی خود را در اینباره به عمل آورده اند. بویژه در خود امریکا و انگلستان و سوئیس، نروژ، ایتالیا، لوکزامبورگ و سن مارینو که اکثریت نمایندگان مردم آنها رودرروی حاکمیت نامشروع آخوندی در ایران، بسود مقاومت ما نظر داده اند.

هموطنان عزیز،

بدین وسیله گزارشی از شکست توطئه رژیم آخوندی علیه مجاهدین و مقاومت ایران و موقعیت مقاومت در کارزار بزرگ بین المللی اخیر را به استحضار رساندم.

قطعنامه مصوب شورای ۸ مهر ۷۶ سند گویا و همه جانبه یی از این موقعیت در مرحله کنونی است. از این رو با یاد آوری نکاتی از این قطعنامه، ترویج و پیشبرد آنرا، از شما، در هر کجا که هستید، خواهانم:

«... شورای ملی مقاومت بارها تأکید کرده است که هرگونه موضعگیری یا فعالیتی را که در خدمت حفظ و تحکیم این رژیم ارتجاعی باشد، شبهه تحول پذیری و قابلیت اصلاح آن را القا کند و تطهیر مسئولان جنایت پیشه و خونخوارش را مدنظر قرار دهد؛ تلاش برای تضعیف روحیه مقاومت و در نتیجه برضد عالیتترین مصالح ملت و آرمانهای آزادیخواهانه و استقلال طلبانه اش می داند. مقابله با این گونه تلاشهای عوامفربانه و نیز توهماتی که دستگاههای وابسته به رژیم و محافل همسو با آن در همین زمینه در میان ایرانیان می پراکنند، از وظایف روزمره مقاومت شمرده می شود.»

- شورای ملی مقاومت ایران تنها جایگزین دموکراتیک و مستقل برای حاکمیت نامشروع آخوندی و تنها راه حل برای تحقق آزادی و حاکمیت مردمی است. ضدیت با این شورا و تضعیف و تخطئه آن در برابر دیکتاتوری مذهبی و تروریستی به هر عنوان و بهانه یی که باشد، در نهایت حاصلی جز ادامه حیات رژیم ارتجاعی نخواهد داشت.

- شورای ملی مقاومت، مبارزه قهر آمیز را، که در عمل از سوی رژیم به پیشگامان مقاومت مردمی تحمیل شده است، راه اصلی برچیدن بساط استبداد مذهبی و سرنگونی رژیم حاکم می داند. ارتش آزادیبخش ملی ایران، که ابزار اصلی این مبارزه را تشکیل می دهد، هدفی جز سرنگون کردن رژیم ضد مردمی و ضد ایرانی حاکم بر میهنمان و انتقال قدرت به مردم ستمدیده

ایران نداشته است و ندارد. بنابراین، در شرایط نوین راهگشایی، که وظیفهٔ اولش پیوند دادن هر چه بیشتر عنصر نظامی با عنصر اجتماعی است، حمایت و پشتیبانی از ارتش آزادیبخش و پیوستن به صفوف رزمندگان این ارتش يك وظیفهٔ ملی عاجل است.

با ایقان به سرنگونی رژیم ضدانسانی و ضد ایرانی آخوندی

و استقرار آزادی و حاکمیت مردمی در ایران

مسعود رجوی

مسؤل شورای ملی مقاومت

۱۱ آبان ۷۶